

## پوشش مطبوعاتی شوروی و روسیه از ایالات متحده

Jonathan A. Becker, *Soviet and Russian Press Coverage of the United States [Press, Politics and Identity in Transition]*, (London: Palgrave - Macmillan), 276 pp.

قاسم ملکی

«مطبوعات ابزار مهمی است که از طریق آن حزب، روزانه و ساعت به ساعت با طبقه کارگر با زبان خودش صحبت می‌کند. هیچ وسیله‌ای چون مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی برای ایجاد پیوندهای معنوی بین حزب و طبقه کارگر کاراتر و هیچ وسیله‌ای این قدر انعطاف‌پذیر یافت نمی‌شود». ژوزف استالین

حاکمان کمونیست به مطبوعات شوروی نقشی واحد واگذار کردند. رهبری حزب از قدرت وسایل ارتباط جمعی هراس نداشت و به راحتی آنان را توقیف می‌کرد همان‌طور که بسیاری از کشورهای اروپایی در گذشته و حاکمان فعلی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین انجام می‌دادند و می‌دهند. همچنین، نه تنها ارائه خدمت مطبوعات چون بازار آزاد طرح ایده‌ها رؤیایی نبود بلکه چون رکن چهارم در دموکراسی‌های مدرن

غربی جلوه گر نمی‌شد. مطبوعات در اتحاد شوروی نقشی انتقال‌دهنده داشتند ولی اکنون وظیفه مطبوعات تقویت روند ایجاد فرهنگی جدید در شکل دهی جامعه‌ای جدید می‌باشد. در گذشته، در شوروی، مطبوعات ابزاری برای کمک به حزب کمونیست جهت ظهور کمونیسم بود. برای آنها که آرزوهایی چون ایجاد جامعه کمونیستی داشتند مطبوعات و نظام یکدست آموزش ایدئولوژیک در تحول جامعه آنطور که حزب مقرر ساخته بود موفق نبود. باورهای مردم تغییر نمودند ولی عقیده عمومی برای نزدیک شدن به دکترین رسمی متوجه یک نقطه نشدند. «انسان نوین شوروی» بعضی از ارزشهای رسمی را جهانی نمود اما با برنامه کار حزب هماهنگی ننمود. کتاب پوشش مطبوعاتی شوروی و روسیه از ایالات متحده از دو بخش شامل ۸ فصل تشکیل شده است:

بخش اول - سیاست و مطبوعات

فصل ۱: نظامهای مطبوعاتی

فصل ۲: سیاست و خط مشی شوروی در مورد وسایل ارتباط جمعی

فصل ۳: آزادی مطبوعات و گلاسنوست

بخش دوم - تصورها و پندارهای شوروی و روسیه از ایالات متحده

فصل ۴: دشمنی و حسادت در پندارهای شوروی راجع به ایالات متحده

فصل ۵: روابط شوروی و ایالات متحده در دوران گورباچف

فصل ۶: دگرگونی تصورها از سیاست خارجی و نظامی آمریکا

فصل ۷: پندارهایی راجع به مردم، نهادها و بافت داخلی آمریکا

فصل ۸: مطبوعات روسیه و پندارهای ایالات متحده

اولین بخش کتاب، مطبوعات و حدود آزادی و خط مشی آنها را در زمان شوروی بررسی می‌نماید. فصل اول ادبیات نظری را در مورد نظامهای مطبوعاتی مطالعه می‌کند. در این فصل کوشش شده تا نظامهای مطبوعاتی با نگرش به علوم سیاسی و ترکیب وسایل ارتباط جمعی با

تحول رژیم‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

فصل دوم، مطبوعات شوروی قبل از گورباچف را مطالعه می‌نماید. مطبوعات شوروی در دوران قبل از گورباچف را مطبوعات دوران پس از مقطع توتالیتر نیز می‌توان نامید. مشخصه مطبوعاتی این نظام آن است که ساختار زبانی مطبوعات توتالیتر را حفظ نموده و ادامه می‌دهد. فصل سوم کتاب مورد بحث، پژوهش در مورد مطبوعات شوروی در دوران گورباچف است. این فصل یکایک مطبوعات را به ترتیب با ذکر نام و تغییرات آنها نام می‌برد. این فصل با اعتماد و تکیه وسیع بر مصاحبه با روزنامه‌نگاران شوروی و سخنرانی‌های رهبران شوروی چگونگی روند لیبرالیزه شدن که تا ماورای مرزها به ویژه از طرف رهبری جریان یافت را نشان می‌دهد. در تحقیق مورد نظر مشاهده می‌کنیم بعضی از مهمترین اضطرارهای مطبوعات چه داخلی و چه خارجی طی دوران گورباچف به‌ویژه در زمینه پوشش جهانی مطبوعات تداوم پیدا نمودند.

بخش دوم کتاب پوشش مطبوعاتی شوروی و روسیه از ایالات متحده مشتمل بر فصول چهارم تا هشتم، کانون توجه را از تجزیه و تحلیل نظامهای وسایل ارتباط جمعی و ساختار مطبوعات شوروی منحرف و با مطالعه اهمیت هویت در راستای همکاری مطبوعاتی متمرکز می‌نماید. فصل چهارم با اشاره به حیاتی بودن ایالات متحده از منظر روانشناسی اتحاد شوروی، ثابت می‌کند که هویت شوروی بیشتر حاصل ویژگی‌هایی که شوروی نداشت (بورژوا و سرمایه‌دار) بود تا ویژگی‌هایی که دارا بود.

فصل پنجم، تغییرات کیفی و کمی (به مرور زمان) در ترسیم و نمایش ایالات متحده در کاریکاتورهای سیاسی مطبوعات شوروی را تشریح کرده و توضیح می‌دهد. تغییرات کمی مهمی در مضمون سیاستهای مطبوعاتی در حال تحول شوروی دوران گورباچف در موضوع روابط ایالات متحده و شوروی انجام گرفت.

فصل ششم کتاب مذکور تحول در تعریف سیاستهای نظامی و خارجی ایالات متحده را

توضیح می‌دهد. تغییر در این فضا نسبت به دیگر زمینه‌ها نمایشی نبود و به واسطه طبیعت واحد پوشش مطبوعاتی روابط بین‌الملل، نگرش‌های ملایمی با رعایت ظواهر که سنتاً بر تعاریف سیاست خارجی آمریکا حاکم است به دست آمد. همراه با پایان دوران گورباچف، به‌ویژه در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، اختلافات مهم نیز بین گزارشگران و بنگاه‌های انتشاراتی بروز نمود که حاکی از علائم رشد در تنوع در مطبوعات شوروی بود.

فصل هفتم مفصل‌ترین قسمت کتاب می‌باشد که تحول نگرش‌های مطبوعات روسیه را از مردم آمریکا بررسی می‌نماید و سه زمینه سیاست، جامعه و فرهنگ را شامل می‌گردد. در این فصل دو روند اصلی مشخص می‌گردد: اول تعریف ذهنی از مردم آمریکا تعریفی انسانی تصویر شد، بدین معنی که تصوراتی تپیک از دشمن شماره یک مبارزه ایدئولوژیک، منتفی شده است. دوم، آنچه که «پوشش مطبوعاتی آموزنده»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود به وجود آمده و از تجربه ایالات متحده جهت مدلی برای اصلاحات مطبوعاتی در شوروی استفاده شد. موضوع اخیر اهمیت پیدا نمود و نه تنها به لحاظ ترک مبارزه ایدئولوژیک با ایالات متحده بلکه به عنوان تغییری در اولویتهای شوروی مطرح گشت.

فصل هشتم کتاب پوشش مطبوعاتی شوروی و روسیه از ایالات متحده مطبوعات روسیه را پنج سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی مورد بررسی قرار می‌دهد. این فصل چگونگی نفوذ بازار در نظام «مطبوعات آزاد» را بررسی می‌نماید. در این فصل نیز علت تغییر دیدگاه‌های عمومی شوروی راجع به ایالات متحده به لحاظ دگرگونی در تعیین تیترو تمرکز خبرها مطالعه می‌گردد. کتاب پوشش مطبوعاتی شوروی و روسیه از ایالات متحده ضمن بررسی همه‌جانبه ابعاد و کارکردهای مطبوعات شوروی و روسیه از روابط، تعاملات و دیدگاه‌های شخصی و دولتی نویسنده از ایالات متحده حاوی نمودارهای بسیار دقیق و جداول کاملاً گویا از روند تطور و تغییر مطبوعات شوروی و روسیه طی سه دهه گذشته می‌باشد. توضیحات کتاب مورد بررسی در مورد

تغییرات کنترل شده، اهداف لیبرالیزه شدن و گلاسنوست، محدودیت‌های گلاسنوست، اولویتهای تغییر، پوسیدگی و زوال اجتماعی در ارتباط مستقیم با مطبوعات شوروی خوانندگان و محققان را با زوایای جدید و واقعیت‌های نوینی از جامعه شوروی در نیمه دوم دهه ۸۰ آشنا می‌گرداند. برای نشان دادن روند تغییر کمی و کیفی مطبوعات شوروی نقل قول از صفحه ۸۵ کتاب مورد نظر قابل تعمق می‌باشد:

«ابتدا، تغییرات بسیار در سیاست‌های رهبری در دوران گورباچف ایالات متحده را نگران می‌سازد. رهبری شوروی کوشش آگاهانه‌ای را جهت تضعیف نظام خصمانه، که به‌عنوان مانع برای روابط بلندمدت و مستحکم بین اتحاد شوروی و غرب مطرح بود، آغاز کرد. نظام شوروی در دو دهه قبل از رهیافت انتقادی دائمی از غرب و همه مظاهر امپریالیستی به سوی اعمال سیاست‌هایی که بر تهدید کاپیتالیستی تأکید نمی‌نمود حرکت کرد و تکامل مجدد کاپیتالیسم و بهره‌گیری از تجربه غرب را عنوان کرد.

الزامات سیاست‌های تغییر و تحول در مطبوعات منعکس شدند. کاریکاتورهای سیاسی بین‌المللی که نقش رسمی آنها این بود که جنگ آفروزان امپریالیست و یاوران آنها را بیرحمانه افشاء نمایند این رویه را کنار گذاشتند و مضمون کاریکاتورهای بین‌المللی دیگر گزنده نبود. بدترین کاریکاتورهای سیاسی از جمله آنها که به‌طور سمبلیک ایالات متحده را با نازی آلمان پیوند می‌داد پس از سال ۱۹۸۶ متوقف شدند.

در پایان این دوره، کاریکاتورهای ضد شوروی و در تأیید ایالات متحده در مطبوعات شوروی به چاپ می‌رسید. یکی از این کاریکاتورها تأسف راجع به غیرقابل تبدیل بودن و بی ارزش بودن روبل را در مقابل هجوم برای کسب دلار و تقویت دلار نشان می‌داد. کاریکاتوری دیگر، نفرت از بوروکرات‌های شوروی به جهت ممانعت از تجارت با شرکت‌های تجاری صادق غرب را تصویر می‌نمود؛ شرکت‌ها و اشخاصی که ویژگی امپریالیست بودن در عملکرد آنها منعکس نبود. در پاسخ به یک سؤال راجع به کاهش کاریکاتورهای ضد آمریکایی، یک هجونیویس پراودا

در بهار ۱۹۹۰ گفت: «دلیل این که ما دیگر کاریکاتورهای سیاسی راجع به آمریکا نداریم آن است که ما روابط دوستانه را خواستاریم و از این پس حتی تصور دشمن داشتن را دوست نداریم». دیگر کاریکاتوربسته‌های شوروی، هجونویسان، نویسندگان و ویرایشگران شوروی نیز آشکارا چنین دیدگاهی داشتند. همراه با کنار گذاشتن ذهنیت دشمن همیشگی و تأکید بر ارزشهای انسانی، کاریکاتورهای بین‌المللی شوروی از به کارگیری کاریکاتورها به عنوان یک «سلاح تیز تلاطم سیاسی»<sup>۱</sup> خودداری کردند. در واقع، منظور از کاریکاتورهای سیاسی شوروی القا، تکرار، تلقین و خاطر نشان نمودن یک ذهنیت منفی از غرب در اذهان خوانندگان بود (می‌توانست از سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۵ کاربرد داشته باشد) که دیگر صحیح به نظر نمی‌آمد.

درصد کاریکاتورهای ضدآمریکایی نسبت به متوسط کاریکاتورهای بین‌المللی

در مطبوعات شوروی از سال ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۹۹

دوره (سال)	پراودا		ایزوستیا		کروکدیل	
	متوسط ماهانه	درصد ضدآمریکایی	متوسط ماهانه	درصد ضدآمریکایی	متوسط ماهانه	درصد ضدآمریکایی
۸۵-۸۷	۲۹	۹۰	۲۲	۸۵	۷	۸۰
۸۷-۸۸	۲۲	۶۷	۱۱	۵۷	۳	۵۶
۸۸-۸۹	۹	۴۲	۵	۲۷	۲	۲۰
۸۹-۹۰	۵	۲۴	۲	۱۶	۱	۲۳

توجه به درصد کاریکاتورهای ضدآمریکایی مندرج در مطبوعات شوروی سیر نزولی

سریع آنها را از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ نشان می‌دهد. ص ۸۶.

می‌توان گفت مطبوعات شوروی به عنوان ابزار کلیدی حزب کمونیست جهت تحول در

رفتارهای انسانی محسوب می‌شدند. وقتی که مطبوعات شوروی در اجرای این رسالت شکست خوردند حزب کمونیست به مطبوعات عملکرد محافظه‌کاری را توصیه نمود. هدف اولیه مطبوعات شوروی جاودانی ساختن نقش حزب کمونیست شوروی بود. این منظور با ارائه مقالات در مورد مجادله و گفتگو راجع به جامعه، با طرح ترس از یک تهدید خارجی و با طرح اولویت روش زندگی شوروی در مقابل روش زندگی مخالفان ایدئولوژیک اتحاد شوروی عملی می‌شد. موضوع تهدید خارجی و موضوع اولویت روش زندگی شوروی نسبت به روش زندگی آمریکایی به‌طور زنده آمریکا را مورد خطاب قرار داده بود تا آنجا که آمریکا را رکن اصلی تهدید ایدئولوژیک و نظامی برای اتحاد شوروی معرفی نموده بود. در واقع در دوره گورباچف اجماعی از ذهنیت منفی از آمریکا در مطبوعات شوروی هنوز وجود داشت. محتوای بیشتر مطبوعات شوروی دارای مضامین کلیشه‌ای و قابل پیش‌بینی ضدآمریکایی بودند.

بعضی از مطبوعات شوروی در طرح مطالب بسیار مدعی بوده و مبارزطلبی می‌کردند و ایالات متحده را با آلمان نازی و رهبران ایالات متحده را در ردیف اعضای کوکلاکس کلان<sup>۱</sup> می‌آوردند. گفتگوهای کمی در مورد ایالات متحده و سیاست داخلی و خارجی مطرح می‌شد و مطالب سطحی و یکنواخت بودند. گرچه مطبوعات شوروی تنوع را اعلام کرده و تنوع مطبوعات به عنوان یک اصل از طرف رژیم، قانونی و مشروع شناخته شد ولی با این حال پوشش مطبوعاتی خارجی به‌ویژه مطبوعات ایالات متحده کاملاً کنترل می‌شد. حتی نشریاتی که به‌طور مبرم «تنوع قانونی و مشروع»<sup>۲</sup> یا «اختلاف عقیده مجاز»<sup>۳</sup> را اعلام می‌کردند راجع به مسایل مربوط به دشمن اصلی اتحاد شوروی محتاط، مدبر و هوشیار بودند. نتیجه این امر ایجاد یک فضای بسیار محدود مباحث مشروع شامل گفتگوهای کوتاه در مورد الزامات تئوریک سرمایه‌داری بود.

تغییراتی که در محتوای مطبوعات اتحاد شوروی در مورد ایالات متحده طی دوران گورباچف رخ دادند منحصر به فرد بودند. کاریکاتورهای سیاسی مطبوعاتی شوروی در اواخر دهه

1. Ku Klux Klan  
3. Permitted dissent

2. Sanctioned Diversity

۸۰ و به عبارتی نزدیکترین تغییرات از رویارویی عقاید، آشکارترین نشانه‌های تغییر بودند. در قلمروهای سیاست خارجی و سیاست نظامی تغییرات در مطبوعات شوروی مهم ولی نامرتب بودند. استفاده از اصطلاحات کلیدی ایدئولوژیک کاهش یافت؛ همانطور که در بیشتر تفاسیر و تعاریف مکانیکی و ایدئولوژیک از مسایل سیاست خارجی آمریکا تغییر داده شد. «مطبوعات شوروی مروج بدترین ذهنیات از ایالات متحده که دولت و مردم آمریکا را به عنوان خالقان و پروس ایدز و عامل فلج اطفال آمریکای لاتین معرفی می‌کردند در سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ این روش و رویه را کنار گذاشتند. ایالات متحده هنوز به واقع از دیدگاه مطبوعات شوروی مهمترین بازیگر خارجی محسوب می‌گردید ولی ایالات متحده دیگر به عنوان عامل هر چیز غلط در جهان نگرسته نمی‌شد. متحدان آمریکا به عنوان قربانیان تکبر آمریکایی به حساب نمی‌آمدند و دیگر کشورهای پیشرفته که با آمریکا در تضاد بودند به عنوان قربانیان بی‌گناه تصویر نمی‌شدند.

میزان توزیع انتشارات روسی منتخب ۲۰۰۰-۱۹۹۰

سال	آرگومنتی فاکتی <sup>۱</sup>	پراودا	ایزوستیا	سوتسکایا راشیا <sup>۲</sup>
۱۹۹۰	۳۳/۲۰۰/۰۰۰	۷/۷۰۰/۰۰۰	۱۰/۱۰۰/۰۰۰	۳/۸۰۰/۰۰۰
۱۹۹۶	۳/۴۸۰/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰	۶۳۰/۰۰۰	۲۷۲/۰۰۰
۲۰۰۱	۲/۸۴۰/۰۰۰	۶۵/۷۰۰	۲۳۲/۴۰۰	۳۰۰/۰۰۰

جدول بالا نیز روند نزولی میزان توزیع انتشارات روسی را در دهه ۹۰ نشان می‌دهد.

ص ۱۷۵.

در آغاز دوره گورباچف، مطبوعات شوروی همچنان مطیع بوده و خط مشی آنها از طریق حزب کمونیست مشخص می‌گشتند. هدف آنها ارتقای آگاهی رهبران حزب به زبان ایدئولوژی

1. *Argumenty i Fauty*

2. *Sovetskaya Rossiya*



مسلط بود.

دوره گورباچف فرصتهایی را برای اظهار نظر روزنامه‌نگاران فراهم آورد. گلاسنوست زاینده آزادی بیان مطبوعات شوروی بود؛ عمق و وسعت پوشش قلمرو مجادله و گفتگوی مشروع و قانونی مطبوعات شوروی را گسترش داد. اهداف گلاسنوست می‌بایست به‌طور مستقیم به ابزار و وسایل مربوط گردد ولی روند آن اهمیت تغییر در مشی مطبوعات شوروی را نیز اجتناب‌ناپذیر نمود. گورباچف و یاران او برای اصلاحات با یک مشکل حاد و بحرانی روبرو بودند: با بیگانگی، خونسردی، بی‌علاقگی و بی‌قیدی شایع چگونه آنان می‌توانستند مردم را برای حمایت از اصلاحات متقاعد نمایند؟ چگونه آنها می‌توانستند تکثرگرایی، تفکیک قوا و مالکیت خصوصی محدود را رایج نمایند وقتی که این مفاهیم قبلاً بدنام بوده و مفاهیمی غیر ضروری (در کشوری که فقط از طریق یک حزب با ایدئولوژی برتر اداره می‌شود) تلقی می‌شدند؟

جواب منحصرأ در بیان ایدئولوژی سنتی نهفته نبود چرا که مطبوعات شوروی برای تبادل افکار کاملاً متضاد و متناقض دارای ظرفیت محدود بودند. در مقابل، یافتن نکات و نقطه‌نظرهای منابع خارج از مباحث رسمی ضرورت داشت.

از آنجا که نتیجه‌گیری کتاب پوشش مطبوعاتی شوروی و روسیه از ایالات متحده ذهنیت‌های جامعه آن روز شوروی (نیمه دوم دهه ۱۹۸۰) را بسیار دقیق توصیف می‌کند و عوامل فرهنگی دخیل در بروندهای اجتماعی حاصل را به‌طور کامل تجزیه و تحلیل می‌نماید نقل بخشی از آن برای محققان و پژوهشگران زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحول بنیادین در پندارهای منعکس در مطبوعات شوروی مفید به نظر می‌رسد: «در واقع، استفاده از نمونه ایالات متحده و الگو قرار دادن تمامی ارزشهایش در جامعه شوروی منطق خود را داشت. ایزوستیادری یکی از مقالات خود می‌گوید: «وقتی شما می‌خواهید یک نقطه‌نظری را جا بیاندازید و قصد دارید مطمئن شوید دیدگاه شما مورد قبول واقع می‌شود شما باید یک مرجعی برای آن تجربه و دیدگاه در ایالات متحده آمریکا معرفی نمایید». اهمیت نداشت که یک ذهنیت و تصور

درست بود یا خیر، مردم به ابزارهایی جهت تبادل افکار نیاز داشتند و سمبل و نمونه ایالات متحده در مناظرات آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت. منطق مذکور حتی برای کسانی که با مسیر اصلاحات مخالفت می‌نمودند به کار برده شد. ناسیونالیستها، تصورات و مفاهیمی راجع به ایالات متحده را مورد استفاده قرار دادند که توجیهی برای صحت نظریاتشان در مورد عدم ضرورت تغییر باشد.

نمونه‌های جایگزینی نیز به عنوان ابزارهای تبادل افکار مورد استفاده قرار گرفتند. همزمان با پایان دوره مطبوعات تحت نظر و پس از قانون جدید مطبوعات در شوروی، منابع و الگوهای آمریکا نسبت به سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ کمتر مورد استناد قرار گرفتند؛ بدان لحاظ که آن سمبل‌ها و نمونه‌ها، محدودیتها و قیود مطبوعات شوروی را تحلیل برده و جامعه شوروی را متحول ساخته بود. در وضعیت جدید برای کلماتی چون تکثرگرایی و آزادی مطبوعات معانی جدید پیدا شده بود. فراخوانهای مشروع جدیدی برای نظام چندحزبی مطرح گشتند. از این پس، مجادلات واقعی در مورد آینده اتحاد شوروی مطرح شد.

نظام مطبوعاتی پس از سیستم توتالیتر که در اتحاد شوروی در آغاز دوره گورباچف به وجود آمد اساساً یک نظام مطبوعاتی محافظه کار در گفتگوی یک ایدئولوژی در حال تحول بود. ایدئولوژی قبل از ساختن جامعه نوین و خلق انسانی نوین سخن گفت. اما شاید بیشترین میزان مقاومتش ظرفیت آن برای تشخیص دشمنان خود در جامعه جدید بود.»